

# بحث در موضوعات حقوقی

## طرق شکایت از رای داور

در ایران اعاده دادرسی نسبت برآی داور پیش بینی نشده است در صورتی که ممکن است جهانیرا که قانون برای اعاده دادرسی رأی دادگاهها مقرر داشته در اینجا هم مورد پیدا کنند درست است در مواردی که عمل مجوز اعاده دادرسی دارای جنبه کیفری است میتوان از طریق کیفری تقاضای خسارت کرده و جبران خسارت خواهان خصوصیا نمود و در موارد دیگری هم از طریق بطلان رأی داور میتوان خلاف ترتیبی را که شده رفع کرد مثلا اگر رأی داور خارج از مورد اختیار صادر شده چنانچه خواهیم دید از طریق بطلان میتوان آن رأی را ابطال کرد ولی در غیر این دو مورد جبران خسارت خلاف ترتیبی که واقع شده راهی ندارد مثلا اگر رأی داور از این جهت صادر شده که سند خواهان در دست طرف او بوده و حال آنکه اگر این سند در دست ذینفع بود دلیل حقایق او شمرده میشد راهی برای شکایت خواهان در دست نیست و حال آنکه اگر همین خلاف ترتیب در مورد رأی دادگاه پیش میآمد بموجب شق ۷ ماده ۵۹۲ آئین دادرسی مدنی ممکن بود درخواست اعاده دادرسی به عمل آید همین جهت به قیده نگارنده اقتضا دارد طریقه دادرسی همانطوریکه برای احکام دادگاهها پیش بینی شده نسبت برآی داور هم مقرر گردد تا بتوان حق را بصاحب حق داد و رائی برخلاف عدالت بموقع اجراء گذاشته نشود.

### ابطال رأی داور

در فرانسه و انگلستان و ایران مواردی برای ابطال رأی داور پیش بینی شده ولی در انگلستان اختیارات داور از دو کشور دیگر زیادتر است زیرا داور انگلستان حق دارد در صورتی که احراز نماید که داور اشتباه غیر عمدی

طرق شکایت از رأی داور در تمام کشورها یکسان نیست در فرانسه نسبت برآی داور ممکن است از طریقه پژوهش و با اعاده دادرسی شکایت نمود در صورت پژوهش اگر دادگاه بالاتر دید اصول قانونی برای رسیدگی و صدور رأی رعایت نشده آنرا فسخ و حکم جدیدی میدهد بنابراین منظور از دخالت دادگاهها بعنوان رسیدگی پژوهشی در رأی داور نظارت در رعایت قوانین است این منظور در انگلستان با انجام 'Special case' تأمین شده است. در آنجا قانونگذار فرض کرده که صلاحیت داور بیشتر در امور فنی است و همین جهت با اجازه داده که ضمن رسیدگی بایس از رسیدگی برای تشخیص حکم قانون بدادگاه رجوع نماید در این صورت داور به تشخیص ماهوی قضیه قناعت کرده و حکم قانونی قضیه را بدادگاه واگذار می نماید.

در آئین دادرسی مدنی ایران اصولا طریقه پژوهش پیش بینی نشده است فقط در مورد دعاوی راجعه بعین مستأجره که داور الزامی است در صورتی که داور بقرعه معین شده باشد ممکن است در ظرف ده روز پس از ابلاغ درخواست تجدید نظر نمود مگر اینکه این حق را طرفین اسقاط کرده باشند.

در مورد قسمت «ب» ماده ۳ قانون مأمور صلح که مدعی به از در دست ریال بیشتر است و مأمور صلح امر را ارجاع بداور میکند قانونگذار مقرر داشته از حکمی که مأمور صلح بر طبق رأی داور صادر مینماید میتوان درخواست پژوهش کرد. در این مورد نیز میتوان گفت که اگر چه موضوع درخواست پژوهش حکم مأمور صلح است ولی در واقع از رأی داور درخواست پژوهش شده است.

دعوی خارج از موضوع داورى داورها بوده و با این حال اعتراض و اظهار مزبور منطبق با شق ۲ از ماده ۲۶ قانون مزبور می باشد که میباید درخواست پژوهش پذیرفته شده و رأی بدوی مورد رسیدگی پژوهشی واقع شود بالجمله چون استدلال مزبور مخالف با شق ۲ ماده فوق صادر شده بموجب شق ۳ ماده ۳۴۰ آزمایش با اتفاق آراء نقض میگردد.

۳ - در صورتی که رأی داور با آنچه در دفتر املاک باین اصحاب دعوی در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و بجهتی از جهات قانونی از اعتبار نیفتاده است.

### ترتیب تقاضای بطلان

هر يك از طرفین میتوانند از دادگاهی که دعوی را ارجاع بداورى کرده با دادگاهی که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد حکم ببطلان رأی داور را بخواهد در اینصورت دادگاه مکلف است بدرخواست رسیدگی کرده هرگاه مورد از موارد بطلان بود حکم ببطلان آنرا بدهد و رسیدگی باصل دعوی ناقصی شدن حکم بطلان رأی داور متوقف نمیماند در ماده ۶۶۸ آئین دادرسی مدنی پیش بینی شده:

« در صورتی که دعوی در مرحله فرجامی رجوع به داورى شده باشد درخواست اجراء و تصحیح حکم و همچنین حکم ببطلان آن باید از دادگاهی بعمل آید که حکم مورد درخواست فرجامی را داده است. » درخواست بطلان رأی داور محدود بمدت معینی نیست بنابراین ممکن است قبل از اجراء رأی برای ممانعت از اجراء و یا در حین عملیات اجرائی و برای توقیف آن بعمل آید چنانچه در ماده ۶۶۷ مقرر داشته: « ... هرگاه برك اجرائی صادر شده باشد دادگاه باید فوراً و قبل از تعیین جلسه بدلائل درخواست کنند توجیه کرده هرگاه دلائل را قوی یافت قرارى دائر بتوقیف عملیات اجرائی صادر نماید » همچنین ممکن است تقاضای بطلان رأی داور بعد از اجراء آن بشود مگر اینکه اصل حق مشمول مرور زمان شده باشد.

بطوریکه از اصول کلی استنباط می شود بطلان رأی داور در مواردیکه قانون پیش بینی کرده از مقررات مربوط به انتظام عمومی محسوب شده و اطراف دعوی نمی توانند قبلاً از استفاده این حق صرف نظر نمایند. دکتر جلال عبده

مرتکب شده است کار را مجدداً برای ترمیم خطی که رخ داده بار مراجعه دهد. در فرانسه این اختیار برای دادرس شناخته نشده ولی نتیجه آن با پژوهش از رأی داور تامین میگردد زیرا دادگاهی که نسبت برأی داور رسیدگی پژوهشی مینماید حق دارد وارد رسیدگی شده و بدون اینکه اصل رأی را ابطال نماید در مدلول آن تغییری بدهد.

بموجب ماده ۱۰۲۸ آئین دادرسی مدنی فرانسه مواردی برای ابطال رأی داور پیش بینی شده است ما در اینجا در بیان ذکر جهات بطلان نبوده فقط بطور کلی اشاره میکنیم که قانونگذار فرانسه هم مثل قانونگذار ایران مواردی را که داور از حدود اختیار خود تجاوز کرده یا بدون اختیار اقدام بصدور رأی نموده است باطل تشخیص می دهد. بموجب ماده ۶۶۵ قانون آئین دادرسی مدنی ایران نیز در موارد زیر رأی داور اساساً باطل و غیر قابل اجراء است:

۱ - در صورتی که رأی مخالف با قوانین موجد حق باشد منظور از قوانین موجد حق قوانین مدنی است و این عنوان شامل قوانین آئین دادرسی مدنی نمیگردد.

۲ - وقتیکه داور نسبت بمطلبی که موضوع داورى نبوده رأی داده یا رأی داور پس از انقضاء مدت داورى صادر شده باشد. بنابراین در موارد ذیل رأی داور باطل است.

الف - اگر اصلاً قراردادی در بین نباشد.

ب - در خارج از موضوع داورى رأی داده شده باشد.

ج - اگر مدت اختیار منقضی شده باشد.

دیوان کشور بمدلول این ماده (که ضمن قانون داورى

سابق پیش بینی شده بود) قناعت نکرده و مفاد آن را توسعه داده است چنانچه در یکی از احکام خود باین نحو استدلال مینماید « استدلال دادگاه استان در رد درخواست پژوهش منحصراً اینکه تقاضای ابطال حکم داور در این مورد منطبق با هیچیک از مواد مذکوره در ماده ۲۶ قانون داورى نیست معلول است زیرا یکی از جهاتی که وکیل مستدعی تمیز در دادگاه بدوی برای ابطال رأی داورها ذکر نموده وکالت ندادن موکل او در انتخاب داورها و تمدید مدت داورى میباشد و لازمه اعتراض و اظهار مزبور آنست که سهم موکل او از ملک مورد